

قیام مردم یونان، پی آمدها و اهمیت آن

تقی روزبه

جمعه بیست نهم آذر ۱۳۸۷

قیام مردم یونان را باید به عنوان به پایان رسیدن آستانه تحمل آنها در برابر سیاست های فلاکت آفرین سرمایه داری جهانی دریکی از حلقهات ضعیف اتحادیه اروپا بشمار آورد که بهمین اعتبار دارای پژواک معینی در سایر کشورهای اروپا و جهان است. و همین مساله بر اهمیت درنگ بر روی آن می افزاید. اکنون ۱۱ روزی است که این انقلاب یونان را تکان می دهد و معلوم هم نیست که تاکی ادامه خواهد یافت. در این جا نگاهی داریم به چگونگی این قیام و برخی پی آمدهای آن:

یونان غرق در ناآرامی و تظاهرات

اگرچه یونان از جمله کشورهای مهم و درجه اول اروپا محسوب نمی شود و همین مساله امکان مناسبی را برای امپریالیسم خبری فراهم آورد تا با سهولت بیشتری نه فقط از دادن پوشش خبری متناسب با اهمیت این رویداد سرباززند بلکه آنچه را هم که بازمی تاباند، یک جانبه و فاقد جنبه های پراهمیت آن باشد. در واقع یونان به عنوان حلقه ضعیف اتحادیه اروپا در برابر بحران کنونی حدود یازده روزی است که بطور مستمر دچار شورش و تظاهرات پرتب و تاب گردیده است. بر اساس گزارشات انتشار یافته تنها در روز دوشنبه گذشته پلیس آتش نشانی برای خاموش کردن ۲۰۰ نقطه پایتخت وارد عمل شد. ۱۳۰ مرکز تجاری هدف حملات شورشیان قرار گرفت و در مجموع صدها نفر دستگیر و بیش از صدتن مجروح گردیدند. اعتراضها از شهر آتن به هشت شهر مهم دیگر کشیده شد و عملا خصلت سراسری یافته است. حضور خشمگین مردم و جوانان در خیابان ها و مراکز حساس شهر، پرتاب سنگ و بمب های دستی که خبرگزاری ها از آن به باران سنگ و بمب یاد می کنند، زد و خورد با پلیس، تخریب مراکز مالی و تجاری بویژه بانکها و فروشگاه ها و مغازه های بزرگ و منفجر ساختن ماشین های پلیس و.... و وارد شدن صدها میلیون یورو خسارت، بیان گویائی است از ظهور شبی که انفجار اجتماعی نامیده می شود! خبرگزاری ها گزارش داده اند پلیس که تاکنون ۴۶۰۰ کپسول گاز اشک آور مصرف کرده، با کمبود محموله های گاز مواجه شده و دولت ناچار از وارد کردن محموله های کپسول گاز گردیده است! بوی گاز و پوک که های آن در نقاط بسیاری از شهر آتن و دیگر شهرها پراکنده شده و همه جا احساس می شود. نقطه سرریز شدن خشم جوانان، تیراندازی عمدی و جنایتکارانه پلیس خشن یونان بسوی یک نوجوان ۱۵ ساله - الکساندر گریکور و پولوس - بود که موجب مرگ وی شد. جنایت فوق در حکم جرعه ای بود که سبب زبانه کشیدن حریق گردید که مهارش ناممکن گردید. حریق که در اذهان یونانیان تداعی کننده شورش شد که به سال ۱۹۸۵ و در رویدادی مشابه، با تیراندازی پلیس و کشته شدن جوان ۱۵ ساله بوقوع پیوست. بله! یونان، بویژه دانشجویان و دانش آموزان و نیروهای چپ آن دارای سنت درخشانی از مبارزه علیه استبداد، امپریالیسم و نظام سرمایه داری هستند، از مبارزه علیه اشغال نازی ها، تاحکومت سرهنگان، واز شورش ۱۹۸۵ و ۱۹۹۱ تا انبوهی از اعتراضات

گوناگون و از جمله اعتراضاتی که بهنگام ورود مقامات درجه اول آمریکا ویا تشکیل اجلاس نهادها و اتحادیه های متعلق به سرمایه داران و بالأخره تاقیام گسترده کنونی علیه سیاست های نئولیبرالی سرمایه داری.

قرائن و شواهد گوناگون تردیدی باقی نمی گذارد که ما با شورشی گسترده، آنهم در مقطع ورود نظام سرمایه داری به یکی از بزرگترین بحران های چنددهه اخیر خود، مواجه شده ایم. کارامانلیس نخست وزیر حزب حاکم و راست گرای "دموکراسی نو" که سخت سرگرم پیش برد سیاست های نئولیبرالیستی نظیر خصوصی سازی شتابان مؤسسات دولتی، از جمله در حوزه آموزش و پرورش، افزایش مالیات، کاستن از حقوق بازنشستگی و تغییرات منفی در قوانین و کاستن از بیمه های اجتماعی بسود سرمایه داران و بطور کلی ایجاد دولت باصطلاح لاغرو آزاد از وظایف و هزینه های اجتماعی بود، در برابر انفجار سراسری جوانان، دانشجویان، گروه های چپ رادیکال و آناارشیستها و کلیه توده های زحمتکش که دقیقاً سیاست های نئولیبرالیستی حاکم بر دولت را مسبب فلاکت و بیکاری و گرانی می دانند، غافلگیر شد و عملاً فلج گردید. و این در حالی است که دولت و حزب حاکم بدلیل رسوائی های حاصل از فساد مالی در اوج بحران و در ضعیف ترین وضعیت خود قرار دارد و تنها با یک رأی اضافی دارای اکثریت بسیار شکننده در مجلس این کشور است. و اپوزیسیون قانونی - از جمله "سوسیالیست ها" - با وقوف به انزوای روز افزون دولت و نارضایتی عمومی مردم خواهان برگزاری انتخابات زودتر از موعد مقرر هستند که با مقاومت حزب حاکم مواجه است. به گفته گردانندگان حزب اپوزیسیون، اوضاع مانند این است که "حکومت و دولت سقوط کرده باشد".

از همان لحظه شروع قیام، تمامی امکانات و تلاش های دولت برای خاموش کردن و کنترل آن بکار گرفته شد. ولی علیرغم آن حرکات اعتراضی ادامه یافته است. هم چنانکه نخست وزیر شخصاً در تلویزیون ظاهر شد و گفت که وضعیت کنونی را تحمل نخواهد کرد و با متهم کردن شورشیان به دشمنان دموکراسی، عزم خود را مبنی بر پایان دادن به این شورش خطرناک اعلام داشت. او در همین رابطه خواهان برخورد قاطع تر وزارت کشور و پلیس با تظاهرکنندگان گردیده است. اما علیرغم دستورات وی و بگیر و ببند های به عمل آمده، پس از گذشت بیش از ده روز، پلیس خشن یونان موفق به خاموش کردن ناآرامی ها و اعاده "نظم" نگردیده است. گرچه پلیس هم چنان به تلاش ها و سرکوب خود ادامه می دهد و نگران شروع موج های تازه ای است، اما ناگفته نماند که بدلیل ترس از گسترش خشم جوانان و مردم، ناچار گردیده که با احتیاط بیشتر عمل می کند و قادر نشده توقعات سران نظام را به نحو احسن برآورده سازد. استعفای بی درنگ وزیر کشور و معاون وی و عذر خواهی او و نیز ابراز "پشیمانی عمیق" پلیس از تیراندازی به سوی نوجوان به قتل رسیده، و دستگیری دو مأمور تیرانداز و دادن وعده عدم تکرار این گونه اقدامات در آینده، و وعده نخست وزیر برای مبارزه علیه فساد و فقر نتوانسته است در آرام کردن جوانان و کاهش التهاب موجود در جامعه نقشی بازی کند.

بیش از صد هاستاد و نیز دانشگاه های متعدد تحت کنترل دانش آموزان و دانشجویان و نیروهای چپ رادیکال قرار گرفته و از آن جا به سازماندهی اعتراضات و از جمله مسدود کردن جاده های ورود به شهر و کنترل عبور و مرور اقدام کردند. در این میان بویژه دانشگاه معروف پلی تکنیک آتن که در انقلاب سال ۱۹۷۴ علیه سرهنگان و نیز ناآرامی های ۱۸۵۹ نقش مؤثری داشته - بطوری که در حمله تانک های حکومت نظامیان به این دانشگاه ۴۰ دانشجوی پلی تکنیک کشته شدند - بعنوان ستاد و مرکز اصلی شورش عمل می کند.

درکنار شورش های مزبور و به موازات آن روز چهارشنبه اعتصاب سراسری ۲۴ ساعته- و از جمله برای افزایش دستمزد به دوبرابر- به دعوت دوا اتحادیه نیرومند (با داشتن ۲,۵ میلیون کارگرتحت پوشش خود) عملا کشور را به حالت تعطیل در آورد. پروازها، ادارات، کارخانه های تولید برق و بیمارستانها (مگر در حد وظایف اورژانسی)، وسایل حمل و نقل در خیابانها - هم خصوصی و هم عمومی- بطور کلی متوقف شدو کارگران اعتصابی در میادین اصلی تجمع کردند. البته تصمیم به برگزاری اعتصاب توسط اتحادیه ها به پیش از شروع شورش های اخیر برمی گشت، اما این مهم است که آنها علیرغم وقوع این ناآرامیها و تداوم آنها و بوجود آمدن فضای فوق العاده در کشور و علیرغم درخواست دولت برای لغو و عدم برگزاری این اعتصاب، وقعی به درخواست دولت نگذاشتند. و فراتر از آن، عملا با مطالبات جوانان و دانشجویان و شورش های آنان همراه گشته و باین ترتیب یک همبستگی عمومی و دارای اهمیت بزرگ، بین جنبش پرجوش و خروش جوانان و بیکاران و کارگران شاغل و مردم یونان برقرار گردید. دانشجویان و جوانان نیز به نوبه خود در حمایت از این اعتصاب تظاهرات متقابل به عمل آوردند.

پاسخ منفی از جانب کلیه نیروهای سیاسی اپوزیسیون به درخواست کارامانلیس جهت نشان دادن نمایش "اتحاد ملی" در محکوم کردن عوامل ناآرامی های اخیر، نشانه دیگری از همبستگی فوق و انزوای شدید دولت است. هم چنانکه تبدیل شدن روز دفن دانش آموزان باخته به عزای ملی و بسته شدن همه مدارس و تظاهرات گسترده و شمع بدست در کنار سایر اشکال اعتراضی نشانه دیگری از واقعیت فوق است.

و چنین است که یونان شدیدترین بحران پس از ۱۹۷۴ را تجربه کرده و بازتاب آن از مرزهای یونان عبور کرده و خبرگزاری ها، از گسترش دامنه ناآرامیها و از شروع تظاهرات حمایتی در پاره ای پاره ای از شهرهای کشورهای چون اسپانیا، فرانسه، ایتالیا، دانمارک، آلمان و روسیه ... گزارش داده اند. و در همین رابطه در طی تظاهراتی که در پاریس و در مقابل سفارت آتن صورت گرفت، رئیس اتحاد ملی دانشجویان فرانسه اعلام کرد: "در فرانسه و سایر کشورهای اروپائی نیز، جوانان با مشکلات این چنینی مواجهند. دولت باید این حرف ما را بشنود و برای آن پاسخی کننده ادامه دهد".

آیا یونان داردا انقلاب مه ۱۹۶۸ خود را می گذراند؟ آیا یونان دستخوش آشوب های مشابه شورش حاشیه نشین های پاریس و دیگر شهرهای بزرگ فرانسه شده است؟

بی شک برای ارزیابی جامع تر و دقیق تر ماهیت رویدادهای یونان، باید هم گزارش های دقیق تری داشت و هم نظرات آگاهان بر شرایط آنجا را خواند و شنید و هم سمت و سوی تحولات آتی را رصد کرد.

با این همه شاید بتوان گفت، هم آری و هم نه! انفجار اجتماعی یونان ضمن داشتن تشابهاتی با آنها (به لحاظ نقش جوانان و دانشجویان و شرکت فعال حذف شدگان و حاشیه نشینان، و نیز بکارگرفتن اشکال مبارزاتی مشابه و برخی مطالبات)، اما بدلیل وسعت فراگیری اعتراضات و مشارکت گسترده تر مردمی، و هم چنین به دلیل تقارن آن با بحران بزرگ نظام سرمایه داری و درواکنش به آن، از نظر دامنه مشارکت نیروهای اجتماعی و داشتن جنبه فراملی، دارای پیام ها و مشخصات دیگری هم است که آن را به یک جنبش گسترده توده ای و فراگیر، یعنی جنبشی از جنبش های گوناگون و رنگارنگ نزدیک تر کرده است. تا به شورش یک یا چند لایه اجتماعی معین. اکنون ۲۰ درصد مردم یونان رسماً زیر خط فقری قرار دارند که هر لحظه با توجه به دامنه بحران اقتصادی و سرشکن کردن هزینه های آن بردوش زحمتکشان، به

سرعت بروست آن افزوده می شود و در این حالی است که باشتاب بحران سیاست کنونی مقابله با بحران انتظار میرود که بزودی ۵ درصد دیگر بر میزان بیکاری افزوده شود. بحران فزاینده بیکاری، اصلاحات آموزشی و... بیش از قرقشری آینده جوانان و آینده آنان را زیر ضرب گرفته است و باین ترتیب قشر جوانان و نسل تازه نیروی کار اولین قربانی بزرگ سیاست های اقتصادی موجود و نیز قربانی موج بزرگ بحران، محسوب می شود و خشم فوق العاده جوانان نیز در همین رابطه قابل درک است. به عنوان مثال بنابر یکی از این گزارشات؛ یکی از این جوانانی که خود را آتارشیست می خواند و از ترس بازداشت توسط نیروهای انتظامی صورت خود را در برابر دوربین پوشانده است با ارائه طرحی بلند پروازانه گفت: «استعمار حاصل از سرمایه داری لجام گسیخته جوانان یونانی را به شورش واداشته است، دیگر کسی به آینده فکر نمی کند و زمان تخریب ساختارهای قدیمی و نوسازی و تغییر دنیا فرارسیده است.» سرمایه داران و دولت حامی آنان در تلاش است که هزینه های سنگین بحران خود ساخته را، بدوش مزدحقوق بگیران و بویژه نسل جوان و آینده ساز بار کند. و دقیقاً در برابر آن یونانی ها به این معترضند که دولت به بانک ها ۳۵ میلیارد دلار کمک مالی اعطا کرده است، در حالی که از هر ۵ شهروند یونانی یک نفر زیر خط فقر زندگی می کند.

البته عقب ماندگی اقتصادی و سیاسی یونان (که در تمامی شاخص های اصلی، از عقب مانده ترین ها در اروپای غربی است) و خشونت پلیس آن از یکسو و سنت های درخشان و رزمنده دانشجویان و نیروهای چپ و رادیکال و انبوه جوانان و حاشیه نشینان از سوی دیگر، در تبدیل یونان به حلقه ضعیف بحران در اتحادیه اروپا و انفجار آن نقش دارند. چرا بحران یونان اهمیت فراملی دارد؟ باین دلیل ساده که آنچه مردم یونان علیه آن بپا خاسته اند، همان مشکلاتی است که در سایر کشورهای اروپائی و جهان سرمایه داری هم وجود داشته و بیدامی کند. و از آنجا که یونان بدلائل متعدد تبدیل به حلقه ضعیف اتحادیه اروپا در برابر بحران کنونی شده است، از همین رو توجه به آن از اهمیت برخوردار است. بیهوده نیست که سرمقاله نویس روزنامه لیبراسیون ارزیابی خود از تحولات یونان را با این جمله که "یونان اروپا را نگران می کند" آغاز کرده و در ادامه یادآور می شود "که مسائل و مشکلاتی که موجب بروز نا آرامی ها و آشوب های چند روز اخیر یونان شده است اینجا و آنجا در دیگر کشورهای اروپائی نیز بچشم می خورد". مفسر لیبراسیون این پرسش را مطرح میکند "که انفجار در جامعه یونان سر آغاز انفجارهایی در دیگر کشور های قاره اروپا خواهد بود؟ نویسند پس از ابراز نگرانی از سرایت این انفجار اجتماعی به دیگر نقاط اروپا به بررسی اوضاع در فرانسه پرداخته و می نویسد شرایط دشوار و متزلزلی که بخش چشمگیری از مردم و به ویژه جوانان بیست تا سی ساله در آن زندگی میکنند، از دست رفتن مداوم برخی دستاوردهای اجتماعی همزمان با افزایش بی سابقه درآمد طبقات مرفه، در تنگنا قرار گرفتن و کاهش قدرت خرید مردم یک سال پس از پیروزی نیکلا سارکوزی در انتخابات ریاست جمهوری - آنهم باتوجه به این که یکی از شعارهای عمده انتخاباتی او بالا بردن قدرت خرید مردم بود- با بحران مالی و اقتصادی جهان بیشتر نمایان شده است". در پایان سرمقاله لیبراسیون می خوانیم "در این شرایط در کاخ ریاست جمهوری فرانسه (الیزه) کوچکترین نشانه های حاکی از بروز یک شورش زیر ذره بین قرار دارد و این امر کاری خردمندانه است چرا که جامعه فرانسه نیز- که این روزنامه از آن به عنوان جامعه ای تقسیم شده، مضطرب، دلزده و بی تفاوت یاد میکند- مختصات جامعه یونان را دارد."

از اینرو درنگ بر آنچه که در یونان می گذرد و تجارب آن برای جنبش های ضد سرمایه داری که از شکاف بین ابعاد

بحران و واکنش های متناسب با آن در رنج است، و برای کاستن از دامنه این شکاف دارای اهمیت است.

نگاهی به جنبش مردم یونان مختصات مهمی را به نمایش می گذارد:

الف - همبستگی بوجود آمده بین جوانان و دانشجویان پرشور و جنبش کارگری. برخلاف نمونه مه ۶۸ فرانسه و یا شورش جوانان پاریس، جنبش مردم یونان خصلت فراگیرتری داشته و در واکنش به پیش برد سیاست های اقتصادی در یک مقطع بحرانی حاد است که البته خود این سیاست ها کپی سیاست های اعمال شده در سایر کشورهای بزرگ سرمایه داری است. مقابله جوانان و دانشجویان با همین سیاست هاست که به حرکت آنان بعد سراسری داده است.

ب - نوک پیکان جنبش ضد سرمایه داری؛ دانشجویان، جوانان، دانش آموزان و نوجوانان و نیروهای چپ رادیکال هستند که تحت سیاست های نئولیبرالی دولت و بیکار سازی های روز افزون آن، جایی برای آینده خود نمی بینند و درست بهمین دلیل در مقایسه با نیروهای شاغل، خصلت انقلابی تری را به نمایش می گذارند. آنها بخش جداناپذیر و قاطعی از نیروی مبارزه ضد سرمایه داری هستند.

ج - مبارزه اصلی و توفنده در بیرون از سیستم و مکانیزم های کنترل کننده دموکراسی بورژوازی و حتا بیرون از تشکل های رسمی و جایگیر شده در نظام و همزیست با آن قرار دارد. و این مساله یک بار دیگر نشان میدهد که تاچه حد دموکراسی بورژوائی و نهادهای توده ای تعریف شده در چهارچوب آن دستخوش تصلب شرائین شده و ناتوان از باز تابانیدن ضربان مبارزه طبقاتی است. نه فقط قادر به انعکاس عمق نارضایتی های مردم نیست، برعکس عملا با سیاست اشتی ملی و طبقاتی، در کنار سیاست های خانه خراب کن حاکمیت قرار گرفته است. بهبود نیست که کار امانلیس قیام جوانان را تهدیدی برای دموکراسی می نامد. و رقبا با اصطلاح سوسیالیستی آنها با دعوت جوانان به برقراری آرامش، تنها بفرکتجدید انتخابات برای کسب قدرت سیاسی است.

د - خصلت جنبشی و خود آنگیختگی این جنبش، اساسا خود را در جاری شدن بیرون از نهادها و خارج از ظرف های موجود و رسمی و در تمایز با رهبری های سنتی و سلسه مراتبی و بوروکراتیزه شده نشان می دهد.

مساله اصلی چیست؟

گفتیم که بحران یونان علیرغم خودویژگی های محلی، در اساس محصول بحران سرمایه داری و خصلت انگلی آن از یکسو و ماهیت ضد مردمی سیاست های معطوف به مهار بحران و چگونگی فائق آمد بر آن از سوی دیگر است. در واقع سیاست سرشکن کردن هزینه های بحران رژف کنونی بردوش مردم و جوانان و زحمتکشان و برای نجات سرمایه داری و تأمین سود لازم برای سرمایه داران، خود مزید بر علت اصلی فقر و فلاکت شده و زمینه ساز شکل گیری اعتراضات گسترده است. این سیاست در سطح جهانی تاکنون با تزریق حداقل ۴ تریلیون دلار به نظام حاکم و به کیسه پر نشدنی صاحبان تراستها و شرکت های فراملی، بویژه مؤسسات مالی و بورس باز همراه است. علاوه بر این برای تضمین نرخ سود رضایت بخش و کاهش هزینه ها، اخراج کارگران، کاهش دستمزد و افزایش شدت کار شاغلین به عنوان راه های غلبه بر بحران در دستور دولت ها و نهادهای بین المللی قرار گرفته است (چنانکه به عنوان نمونه در همین روزها کمپانی سونی تصمیم به اخراج ۸۰۰۰ نفر از نیروی کار و سیتروئن فرانسه ۴۰۰۰ نفر و... گرفته اند). نمونه همین سیاست ها برای مقابله با بحران توسط دولت یونان و در اقتصاد ضعیف تر آن با شدت بیشتری پیش برده

می شود. بهمین دلیل شعار اعتراض کارگران و اعتراض کنندگان مبنی بر این که حتی یک یورو هم به سرمایه داران نخواهیم داد، دارای اهمیت است. همانطور که مخالفت قاطع دانشجویان و دانش آموزان با هرگونه خصوصی سازی مؤسسات اقتصادی و آموزشی واجد اهمیت است.

قیام مردم یونان از جنبه دیگری نیز قابل تأمل است: میدانیم که انقلاب فنی و تکنولوژیک چنددهه اخیر با افزایش قدرت بارآوری تولید، در چهارچوب همین نظام موجود، شرایط مادی امکان کاهش رادیکال ساعت کار کارگران و ایجاد فضای فراغت برای رشد و شکوفائی آنها از یکسو و ایجاد فرصت های شغلی تازه برای کارگران بیکار و کاستن از فشار نیروی کار ذخیره بردست مزد ها از سوی دیگر را فراهم کرده است. و در واقع نئولیبرالیسم به یک تعبیر تعرضی بود برای بباد دادن و مصادره این فرصت و از طریق تحمیل کار اضافی و تصاحب ارزش اضافی حاصل از آن. چنانکه می دانیم طبقه کارگر در بهره گیری از این فرصت تا مرز ۳۵ ساعت کار در هفته پیشروی کرده بود. البته در انجام موفقیت آمیز این تهاجم توسط دشمنان طبقه کارگر، جهانی سازی بورژوائی و بهره گیری از تشتت و تفرقه کارگران در مقیاس جهانی و از جمله بهره گیری از کار ارزان و فشار عظیم نیروی کار ذخیره به نیروی کار شاغل و سودجستن از بازارهای تازه و بطور کلی سرشکن کردن عوارض منفی این روند بر صفوف کارگران جهان، نقش مهمی داشت.

تازمانیکه نظام سرمایه داری دچار بحران ژرف کنونی نشده بود، گرچه مقاومت و جنگ گریلانی در این یا آن کشور و در این یا آن رشته همواره وجود داشت و دارد، اما بدلیل پراکندگی زیاد اردوی کاروهم آهنگی نسبی اردوی سرمایه، تفوق و تعرض از آن سرمایه داری بوده است. اکنون اما با ورود نظام سرمایه داری به فاز نوینی از بحران و بهم ریختن توازنش، و بویژه با در پیش گرفتن سیاست سرشکن کردن بار بحران بردوش مردم و کارگران، فرصت بالقوه مناسب تاریخی برای پیشروی جنبش و عقب راندن بورژوازی از سنگرمواضع تسخیر کرده فراهم شده است. و در همین رابطه است که قیام مردم یونان به عنوان یکی از برآمدهای جنبش ضد سرمایه داری، دریکی از حلقات ضعیف زنجیره این مجموعه دارای اهمیت است. باین دلیل از فرصت بالقوه مهم سخن به میان می آوریم که برای فعلیت یافتن آن و کسب دست آوردهای مهم و اثرگذار در بهم ریختن صفوف سرمایه، و وادار کردن آن به عقب نشینی های مهم، جنبش ضد سرمایه داری هنوز باید بتواند بر ضعف ها و نقاط آسیب پذیر خود غلبه کند. پرداختن به این ضعف ها و گسست ها خارج از حوصله این نوشته است، اما غلبه یافتن به آنها شرط فعلیت بخشیدن به این فرصت هاست. در این جا تنها می توان به دو مورد مهم از این نقاط آسیب پذیر در مقیاس کشوری و فراکشوری اشاره کرد:

نخست آنکه در شرایطی که سرمایه بیش از هر زمانی جهانی شده و دشمن به شکل جهانی سیاست گذاری و عمل می کند، جنبش ها اگر بخواهند فقط محلی عمل کنند، قادر نخواهند شد با دشمنی در وسعت بین المللی و با امکانات و تحرکات جهانی مقابله مؤثر نمایند. از این رو تحقق همبستگی و هماهنگی جنبش های مناطق مختلف از اهمیت بزرگ و استراتژیکی برای جنبش ضد سرمایه داری برخوردار است. این یک نیاز روز و حیاتی است که بدون آن پرولتاریا نخواهد توانست از شرایط بوجود آمده بهره گیرد.

و نقطه آسیب پذیر دیگر آنکه در شرایطی که یکی از فراکسیون های بورژوازی، بشدت منزوی و منفور شده است، فرصت مهمی برای نقش آفرینی سایر فراکسیون های اپوزیسیون قدرت حاکم فراهم میشود تا بتوانند با دست بردن قدرت به فریب افکار عمومی مبادرت ورزند. چنانکه در یونان نیز آنها نه فقط بدنبال گرفتن امتیاز از رقیب

خود و درسودای بدست آوردن پست اکثریت در مجلس و تسخیر قدرت هستند، بلکه در همان حال در تلاشی مکمل و در کسوت اپوزیسیون برآند تا کنترل جنبش مردمی را نیز بدست گیرند. چنان که هم اکنون نیز خواست استعفاى دولت و برگزاري انتخابات زودرس به يکي از مطالبات عموم مردم و نيز احزاب اپوزیسیون از جمله حزب "سوسیالیست" که خود در اجرای سیاست های ۳۰ سال گذشته عملکردی کیفی متفاوت از حزب حاکم نداشته و پیگیر همان نوع سیاست ها بوده ، تبدیل شده است. بی شک وجود چنین نیروها و احزابی در صفوف اپوزیسیون، هوشیاری در اتخاذ سیاست ها و تاکتیک های مناسبی را می طلبد که بدون آنها، همانگونه که تجارب تاریخی نشان داده اند، بورژوازی در ربودن فرصت ها از چنگ جنبش بسیار موفق عمل کرده است.

بطور خلاصه قیام مردم یونان را باید واکنشی به بحران سرمایه داری در حلقه ضعیف بورژوازی جهانی به شمار آورد که در شرایط شکاف موجود بین ابعاد بحران و کمیت و کیفیت مقابله با آن دارای اهمیت است. به میزانی که این جنبش بتواند مطالبات خود را در برابر نظام سرمایه داری شفاف و فراگیر کند، و به اندازه ای که بتواند صفوف گسترده خویش را در مقیاس کشوری و جهانی در برابر تعرضات و تجاوزات سرمایه داری هم آهنگ نماید و به اقدامات فراملی مبادرت ورزد، به دستاوردهای بیشتری نائل خواهد شد.

تقی روزبه

taghi_roozbeh@yahoo.com

۸۷-۰۹-۲۸ ۱۸-۱۲-۲۰۰۸

<http://www.taghi-roozbeh.blogspot.com/>